

جهان دیگری ممکن است

تاریخ مبارزات اقلیت‌های جنسی در آلمان



شش رنگ

Iranian Lesbian & Transgender Network (6 Rang)

انتشارات: شش رنگ (شبکه لژیبن‌ها و ترنسجندرهای ایرانی)

شماره ۲

جهان دیگری ممکن است

تاریخ مبارزات اقلیت‌های جنسی در آلمان



Iranian Lesbian & Transgender Network (6 Rang)

انتشارات: شش رنگ (شبکه لزبین‌ها و ترنسجندرهاى ایرانى)

| | |
|----|--|
| ۴ | جهان دیگری ممکن است |
| ۵ | مقدمه |
| ۶ | پاراگراف ۱۷۵ و ممنوعیت همجنس‌گرایی از زمان پادشاهی آلمان |
| ۶ | ماگنوس هیرشفلد سکسولوژیست و پایه‌گذار جنبش اقلیت‌های جنسی |
| ۸ | فاشیسم و تعقیب، شکنجه و کشتار همجنس‌گرایان در آلمان |
| ۱۲ | پایان جنگ، شکست فاشیسم در آلمان و تقسیم شدن آلمان به دو بخش شرقی و غربی و روند تغییرات قانونی در رابطه با اقلیت‌های جنسی |
| ۱۳ | جنبش اقلیت‌های جنسی و همجنس‌گرایان در آلمان از آغاز دهه‌ی هفتاد |
| ۱۵ | اتحاد دو آلمان |
| ۱۵ | گام‌های به پیش برای برابری: حق ازدواج |
| ۱۷ | برخی منابع مورد استفاده |

جهان دیگری ممکن است

میلیون‌ها نفر از اعضای جامعه رنگین کمانی در سراسر جهان، وقتی به تفاوت خود در گرایش جنسی و هویت جنسیتی با کلیشه‌های غالب دنیای اطرافشان پی می‌برند، گمان می‌کنند تنها آن‌ها هستند که "تفاوت" اند و گاه، تا آخر عمر از حس تنهایی و انزوا، رنج می‌برند. خیلی از آن‌ها فکر می‌کنند رنجی که می‌برند منحصر به فرد و طاقت‌فرساست و قادر نیستند که شرایط خود را در این تنهایی، تغییر دهند. اما برخی از آن‌ها که به جست‌وجوی هم‌تایان خود همت می‌کنند درخواهند یافت که او در این دنیای مشکلات تنها نیست و خیلی‌های دیگر در اطرافیان و جامعه‌اش، حس‌ها، مسائل و رنج‌ها و شادی‌های مشابه را تجربه کرده و می‌کنند. به مدد شناخت دیگران و صحبت با آن‌ها درباره دردهای مشترک، راه‌های تغییر وضعیت و بیرون آمدن از مشکلات شناسایی و هموار می‌شود.

جوامع رنگین کمانی در کشورهای دیگر هم از همین قاعده پیروی می‌کنند. مادامی که جامعه ال‌جی‌بی‌تی در کشوری فکر می‌کند تنها آن‌ها هستند که از خشونت و تبعیض قانونی و فرهنگی رنج می‌برند و وضعیت آنان از تمامی جوامع دیگر سخت‌تر و بدتر است، حس تنهایی می‌کنند و در این احساس تنهایی و انزوا، بی‌آن‌که با جوامع رنگین کمانی در کشورهای مختلف پیوند بخورند، وضعیت‌شان به همان شکل می‌ماند و تغییر چندانی نمی‌کند.

شش رنگ معتقد است که تا از تجربه و مبارزات جوامع ال‌جی‌بی‌تی در کشورهای دیگر نیاموزیم، یافتن راه‌حلی برای ایجاد تغییر در زندگی‌مان بسیار سخت خواهد بود. مجموعه "جهانی دیگر ممکن است" با این هدف تحقیق، ترجمه و گردآوری شده که به اعضای جامعه ال‌جی‌بی‌تی ایرانی بگوید که تنها آن‌ها نیستند که از جرم بودن نحوه زیست خود و خشونت‌های قانونی و اجتماعی رنج می‌برند و بسیاری از آن‌ها، در شرایطی بسیار سخت، در گذشته یا در حال حاضر، برای به دست آوردن حقوق اولیه و کرامت انسانی، مبارزه کرده و می‌کنند. در این مجموعه، تجربه جنبش‌های ال‌جی‌بی‌تی را در کشورهای پاکستان، آلمان، هلند، ویتنام، هند، تایلند، ترکیه و نپال برای تغییر قوانین و سیاست‌ها آورده‌ایم. به امید اینکه جامعه ال‌جی‌بی‌تی ایرانی با شناخت دقیق‌تر از تاریخ جوامع دیگر و تعمق در چالش‌ها و دستاوردهایشان، شیوه‌های نوین و موثری برای پیشبرد خواسته‌ها و تحقق دستاوردهایش پیدا کند.

دومین سری این مجموعه را پیش رو دارید. این بار تاریخ یک کشور اروپایی را مورد بررسی قرار داده‌ایم. این مختصر، تاریخ تحولات و تغییراتی است که به همت و کوشش کنشگران و نهادهای مدافع حقوق اقلیت‌های جنسی در آلمان رخ داده است. سری اول این مجموعه در مورد تاریخ هند است که در شبکه‌های اجتماعی و وبسایت شش‌رنگ قابل دسترسی است.

تحقیق و نگارش این مجموعه توسط مینا خانی و با مشاوره شادی امین انجام شده است. بازنگری و ویرایش این متن توسط آریتا دوستی صورت گرفته و صفحه‌بندی و جلد نیز توسط شبنم میری طراحی شده است.

شش‌رنگ (شبکه لژیون‌ها و ترنسجندرهای ایرانی)

ماه مه ۲۰۱۹

برابر با اردیبهشت ۱۳۹۸

برخوردار بوده است. امروزه در آلمان هم جنس گرایی نه تنها دیگر جرم نیست، بلکه غالب حقوق انسانی هم جنس گرایان و حتی حق ازدواج دو فرد هم جنس نیز از اول اکتبر سال ۲۰۱۷ به رسمیت شناخته شده است. مساله‌ای که تاریخ ستم علیه اقلیت‌های جنسی در آلمان را ویژه می‌کند، تاریخ فاشیسم در آلمان و کشتار و شکنجه‌ی هم جنس گرایان در کنار کشتار یهودیان، کمونیست‌ها و فعالین سیاسی و غیره است. این تاریخ به ما به شکل مشخصی نشان می‌دهد که چگونه سیاست‌های جنگ‌افروزان و سرکوب اقلیت‌های جنسی در کنار انواع سرکوب‌های دیگر به یک‌دیگر پیوند خورده‌اند.

تاریخ مبارزات اقلیت‌های جنسی در آلمان یک تاریخ پر از دهلیزهای تو در توست. تحت تعقیب قرار دادن هم جنس گرایان در تاریخ آلمان دارای یک سابقه و سنت قدیمی است. از آغاز تاریخ مسیحیت، این سنت با سرکوب، کشتار، تبعیض و خشونت علیه هم جنس گرایان مرد به عنوان اتهام «سودومی»^۱ همراه بوده است. سودومی مفهومی است که ریشه‌اش به ساختار مذهبی مسیحیت بازمی‌گردد و معنای آن نوعی رفتار جنسی «گناه‌آلود» است که به تولید مثل بشر در چهارچوب ازدواج خدمت نمی‌کند. میزان فشار و تعقیب هم جنس گرایان در تاریخ آلمان، در دوره‌ها و مناطق مختلف از درجه‌های متفاوتی

پاراگراف ۱۷۵ و ممنوعیت هم‌جنس‌گرایی از زمان پادشاهی آلمان

پاراگراف قانونی، جرم‌انگاری علیه هم‌جنس‌گرایان را تشدید کرد و مدت‌زمان مجازات حبس تعیین شده برای هم‌جنس‌گرایی از ۶ ماه به پنج سال افزایش یافت. بدین ترتیب مساله از رابطه‌ی جنسی بین دو هم‌جنس نیز فراتر رفت و به هر نوع رفتار «غیراخلاقی» بسط یافت. یکی از نکات قابل توجه در این پاراگراف، هم‌ارز انگاشتن روابط هم‌جنس‌گرایانه میان دو مرد و رابطه جنسی بین انسان و حیوان بود. این دو موضوع، هر دو در قانون جزایی آلمان تحت پاراگراف ۱۷۵ جرم‌انگاری شده بودند.

پاراگراف ۱۷۵^۲ قانون جزایی آلمان در سال ۱۸۷۱ با تاسیس نظام رایش سلطنتی آلمان^۳، به سند قوانین جزایی آن دوره این کشور اضافه شد. این قانون در واقع از پاراگراف قانونی ۱۴۳ که پیش از این در قوانین رایش پرویسی^۴ وجود داشت، نشأت میگرفت و روابط جنسی میان دو هم‌جنس مرد را جرم‌انگاری می‌کرد. این قانون در نقاط مختلف تحت تسلط رایش به شیوه‌های مختلف اعمال می‌شد.^۵ در سپتامبر ۱۹۳۵ و پس از به قدرت رسیدن هیتلر و سلطه سوسیال ناسیونالیسم^۶ در آلمان، این

ماگنوس هیرشفلد سکسولوژیست و پایه‌گذار جنبش اقلیت‌های جنسی

شکنج‌های هم‌جنس‌گرایان بودند.

هیرشفلد متولد سال ۱۸۶۸ میلادی در یک خانواده‌ی یهودی بود. بستگان او در جریان قدرت گرفتن فاشیسم

بیش از صد سال پیش، سکسولوژیست و پژوهشگر روابط جنسی «ماگنوس هیرشفلد»^۷ تمرکز تحقیقات خود را روی مساله‌ی تنوع حیات جنسی و هم‌جنس‌گرایی قرار داد. او از این طریق مبارزه‌ی خود را برای به رسمیت شناختن حقوق هم‌جنس‌گرایان شروع کرد. هیرشفلد در سطح جهانی نیز از مبتکرین جنبش جهانی هم‌جنس‌گرایان محسوب می‌شود. برخی نظرات او در این باره مورد مناقشه هستند، اما او با ارائه‌ی تحقیقات و پایه‌گذاری «کمیته‌ی علمی - انسانی»^۸ نقش بسیار مهمی در جنبش مذکور ایفا کرد. هیرشفلد و همکارانش مبتکر اولین انجمن در جهان برای احقاق حقوق هم‌جنس‌گرایان و مبارزه علیه جرم‌انگاری هم‌جنس‌گرایی، تعقیب و

هیرشفلد و همکارانش مبتکر اولین انجمن در جهان برای احقاق حقوق هم‌جنس‌گرایان و مبارزه علیه جرم‌انگاری هم‌جنس‌گرایی و تعقیب و شکنج‌های هم‌جنس‌گرایان بودند.

به عنوان یهودی مورد فشار و تعقیب قرار گرفتند. در دانشگاه‌های استراسبورگ، مونیخ، هایدلبرگ و برلین

<https://lexetius.com/StGB/175>

<http://www.frankfurter-engel.de/geschichte/verfolgung.html>

| | |
|-------------------------------------|---|
| | 2 |
| Deutsches Kaiserreich | 3 |
| Preußisches Reich | 4 |
| | 5 |
| Nationalsozialismus | 6 |
| Magnus Hirschfeld | 7 |
| Wissenschaftlich-humanitäre Komitee | 8 |

روشننگری نیز می‌پرداخت. علاوه بر این، هیرشفلد به عنوان پزشک متخصص در فرایندهای قضایی نیز مشغول به کار بود. در فضای سیاسی نیز به عنوان یک سوسیال دموکرات برای احقاق حقوق اقلیت‌های جنسی فعالیت می‌کرد. البته او هرگز هم‌جنس‌گرایی خودش را فاش نکرد. اما شواهدی از سال‌های آخر زندگی او حکایت از دو رابطه‌ی هم‌جنس‌گرایانه وی دارند.¹⁰

«کمیته‌ی علمی - انسانی» سالنامه و مجله‌هایی را در ارتباط با مسأله‌ی تنوع زندگی جنسی منتشر می‌کرد. از جمله انتشارات این کمیته، مقالاتی چون: «سالنامه‌ای درباره‌ی مرحله‌های بینا جنسی»¹¹، «مردم باید چه چیزی درباره‌ی جنس سوم بدانند؟»¹² و «ترنس‌ها، یک تحقیق درباره‌ی میل به پوشش اروتیک»¹³ بودند. گرچه نظریات هیرشفلد در مورد روابط جنسی و سکس در فضای معاصر قابل بحث و چالش‌برانگیز هستند، اما در فضای آن روزها این نظریات به طور بی‌همتایی پیشرفته بودند. هیرشفلد تنها به تحقیق و انتشار این مباحث اکتفا نکرد. او در قطارها، کلاب‌های شبانه و رستوران‌ها دفترچه‌های راهنما پخش می‌کرد. در این دفترچه‌های راهنما، خانواده‌ها و والدین را خطاب قرار می‌داد که فرزندان آنان نیز ممکن است هم‌جنس‌گرا باشند. او لیستی از مشاهیر هم‌جنس‌گرا تهیه کرده بود و آن را منتشر و پخش می‌کرد تا بگوید هم‌جنس‌گرایی «ناتوانی» نیست.¹⁴

تحصیلات عالی خود را در رشته‌ی پزشکی به اتمام رساند و پس از پایان تحصیل، در سال ۱۸۹۴ در شهر ماگدبورگ، کلینیک پزشکی خود را به منظور «درمان‌های طبیعی» دایر کرد. یکی از مراجعان او افسری بود که بعدها به دلیل «مشکل» هم‌جنس‌گرایی - آن گونه که آن زمان نامیده میشد - دست به خودکشی زد. این اتفاق، در کنار برگزاری دادگاهی علیه نویسنده‌ی بریتانیایی هم‌جنس‌گرا «اسکار وایلد»⁹ از دلایل مهم توجه و تمرکز ویژه‌ی هیرشفلد به مسأله‌ی هم‌جنس‌گرایی و انگیزه او برای کار در این حوزه بود. کمیته علمی - انسانی به رهبری هیرشفلد در راستای اولین تلاش‌های خود برای جرم‌زدایی از هم‌جنس‌گرایی، درخواستی به پارلمان وقت آلمان برای برچیدن پاراگراف ۱۷۵ ارائه داد. ارائه‌ی این درخواست متأسفانه با موفقیت همراه نبود.

هیرشفلد در سال ۱۹۱۹ یک موسسه‌ی پژوهشی به منظور تحقیق در مورد روابط جنسی تاسیس کرد. این اولین موسسه در نوع خودش در این حوزه بود. این موسسه در کنار امور تحقیقاتی به ارائه‌ی خدمات مشاوره و روشننگری نیز می‌پرداخت.

هیرشفلد در سال ۱۹۱۹ یک موسسه‌ی پژوهشی به منظور تحقیق در مورد روابط جنسی تاسیس کرد. این اولین موسسه در نوع خودش در این حوزه بود. این موسسه در کنار امور تحقیقاتی به ارائه‌ی خدمات مشاوره و

Oscar Wilde 9

<https://www.evangelisch.de/inhalte/149889/14-05-2018/vorkaempfer-der-schwulenbewegung-magnus-hirschfeld> 10

Jahrbuch für Sexuelle Zwischenstufen 11

Was muss das Volk vom Dritten Geschlecht wissen 12

Die Transvestiten: Eine Untersuchung über den erotischen Verkleidungstrieb 13

<https://www.tagesspiegel.de/gesellschaft/queerspiegel/zum-150-geburtstag-des-sexualforschers-magnus-hirschfeld-vordenker-und-vorkaempfer/21873654.html> 14

پاریس ناموفق ماند. اما هیرشفلد، تجربه‌ی کمیته‌ای که او با همکارانش تاسیس کرد، تلاش‌های او برای پژوهش علمی درباره مساله‌ی هم‌جنس‌گرایی و روابط جنسی و همچنین تلاش‌های فرهنگی و سیاسی او برای تابوزدایی و جرم‌زدایی از هم‌جنس‌گرایی، هم در آن زمان و هم بعدها پس از پایان گرفتن جنگ جهانی دوم، تاثیر مهمی در جنبش اقلیت‌های جنسی آلمان و به دنبال آن در جنبش جهانی داشتند.¹⁵

در سال ۱۹۳۰ و کمی پیش از به قدرت رسیدن مطلق ناسیونال سوسیالیسم (نازیسم) در آلمان، هیرشفلد تصمیم گرفت، آلمان را به قصد یک سفر دور دنیا ترک کند. پس از اولین اقدامات خراب‌کارانه‌ی ناسیونال سوسیالیست‌ها، او دیگر به صورت رسمی در شرایط تبعید در پاریس زندگی می‌کرد. در سال ۱۹۳۳ فاشیست‌ها به موسسه‌ی او در برلین حمله کردند و مجموعه‌ی عظیمی از کارهای منتشر شده‌ی او و کتابخانه‌اش را به آتش کشیدند. تلاش او برای برپایی موسسه‌ی دیگر در

فاشیسم و تعقیب، شکنجه و کشتار هم‌جنس‌گرایان در آلمان



و خشونت علیه هم‌جنس‌گرایان را با استناد به پاراگراف ۱۷۵ موجه و قانونی جلوه دهد. با توجه به این پاراگراف اما تنها هم‌جنس‌گرایانی که اتهام‌شان «هم‌خوابگی»¹⁸ بود دستگیر میشدند. از لحاظ قانونی، این پاراگراف این امکان را مهیا می‌کرد که بسیاری دستگیرشدگان اتهام

گشتاپو¹⁶ و نیروهای امنیتی «اس.اس.»¹⁷ موج جدیدی از تعقیب هم‌جنس‌گرایان را در پاییز و زمستان سال‌های ۱۹۳۴/۱۹۳۵ رقم زدند، که طبق آن هر مداخله‌ای بر اساس دولت قانون‌مدار از بین رفت. با این وجود، به نظر می‌آید که گشتاپو تلاش می‌کرد این تعقیب‌ها، ترورها

<https://www.evangelisch.de/inhalte/149889/14-05-2018/vorkaempfer-der-schwulenbewegung-magnus-hirschfeld>

15

Geschtaapo 16

SS 17

Beischlafähnliche Handlungen 18

گرفته شده بود. بعد از «کودتای روم»²⁴ کمیسیون جرائم قضایی با ابتکار «گراف گلایس پاخ»²⁵ به این نتیجه رسیده بود: «ازین پس نه تنها روابط هم‌خوابگی، بلکه هر نوع رفتار هم‌جنس‌گرایانه که به صورت «معمول» سر می‌زند نیز تحت تعقیب قرار خواهد گرفت». گلایس پاخ در این رابطه از مفهومی به نام «جعل زندگی عمومی»²⁶ حرف می‌زد و از این طریق به سناریوی «تهدید و توطئه» «هیملر»²⁷ ارجاع می‌داد که اعتقاد داشت هم‌جنس‌گرایان می‌توانند از این طریق به اجتماعات مردانه‌ی ناسیونال سوسیالیست‌ها نفوذ کنند.

پس از تغییرات در اصل ۱۷۵ قانون جزایی در سال ۱۹۳۵ مفهوم «فساد»²⁸ جایگزین مفهوم «فساد ضد طبیعت»²⁹ شد. این بدان معنا بود که از این پس هر رابطه‌ای میان مردان که یک ماهیت «خوشگذران» و یا «حاوی لذت» داشت، تحت لوای قانون فوق قرار می‌گرفت. بدین معنا این فقط هم‌خوابگی نبود که مورد تعقیب واقع می‌شد بلکه هر نوع «تماس فیزیکی» یا حتی «نگاه عاشقانه» میتوانست، تحت این عنوان، مورد تعقیب و مجازات قرار گیرد.³⁰

با دقت روی مساله‌ی جرم‌انگاری هم‌جنس‌گرایی در بستر قوانین آلمان، می‌توان به این نتیجه رسید که هم‌جنس‌گرایی در روابط میان مردان بیشتر به عنوان خطر

هم‌خوابگی را رد کنند. به ویژه در صورتی که مدرکی برای اثبات هم‌خوابگی در دسترس دادگاه نبود. به این ترتیب نمی‌شد آن‌ها را از لحاظ «قانونی» تحت تعقیب قرار داد. اما از آنجا که خود مساله‌ی هم‌جنس‌گرایی نیز جرم‌انگاری شده بود، تحت دستور قضایی وزیر داخلی رایش پرویسی¹⁹ مساله‌ی هم‌جنس‌گرایی «تبعات آموزشی»²⁰ ویژه‌ای را برای متهمان در برداشت، از جمله اینکه آن‌ها به «اردوگاه‌های کار اجباری»²¹ فرستاده می‌شدند و در شرایط اردوگاهی قرار می‌گرفتند.

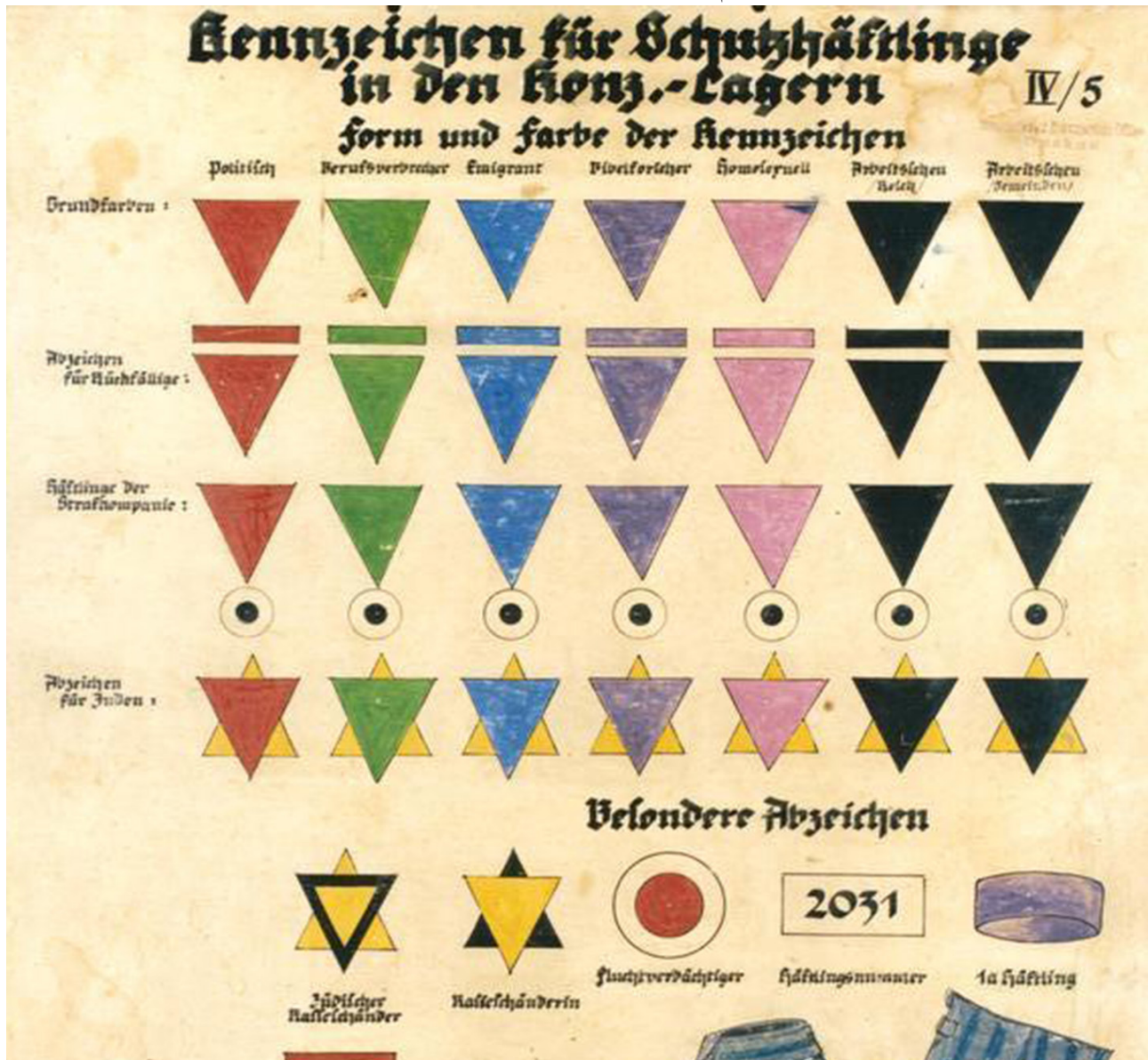
اقدامات گشتاپو در جهت تحت تعقیب قرار دادن هم‌جنس‌گرایان سرانجام «وزارت امنیت»²² را مجبور به واکنش کرد. در مارس ۱۹۳۵ جلسات مختلفی در این مسیر صورت گرفت، که هدف مشخص آن تشدید پاراگراف ۱۷۵ بود. در این فضا بود که «لئوپولد شتفر»²³ مشاور مخفی حکومت شروع به استدلال برای تشدید قوانین مجازات برای هم‌جنس‌گرایی کرد. از نظر او بزرگترین مشکل پاراگراف‌های قبلی این بود که مساله‌ی جرم‌انگاری هم‌جنس‌گرایی را به هم‌خوابگی تقلیل می‌داد و جوانب دیگر موضوع را در نظر نمی‌گرفت.

اینکه این پاراگراف باید به سمت تشدید جرم‌انگاری هم‌جنس‌گرایی تغییر کند، از سال ۱۹۳۴ یک تصمیم

| | |
|---|----|
| Preußischer Ministerpräsident | 19 |
| Erziehungsmaßnahmen | 20 |
| Konzentrationslager | 21 |
| Reichsjustizministerium | 22 |
| Leopold Schäfer | 23 |
| Röhm-Putsch | 24 |
| Graf Gleispach | 25 |
| Verfälschung des öffentlichen Lebens | 26 |
| Himmler | 27 |
| Unzucht | 28 |
| widernatürlicher Unzucht | 29 |
| https://web.archive.org/web/20170407233333/http://rosa-winkel.de/paragraf175 | 30 |

و تهدید برداشت می شده است. اما به طور کلی هم زنان و هم مردان هم جنس گرا تحت لوای به خطر انداختن تولید مثل «نژاد برتر»³¹ از لحاظ ایدیولوژیکی در تقابل با ناسیونال سوسیالیسم و برقراری فاشیسم بر مبنای آن قرار می گرفتند. طبق شواهد موجود، مردان هم جنس گرا در

دوره ی فاشیسم بیشتر به اردوگاه ها فرستاده می شدند. به سینه ی آنها «سنجاق های صورتی»³² نصب می شد که در واقع نشانه ای دال بر این بود که به علت هم جنس گرایی به اردوگاه های کار اجباری فرستاده شده اند.³³



زنان هم جنس گرا به طور معمول، وقتی در کنار هم جنس گرا بودن به فعالیت سیاسی روی می آوردند و یا

Herrenrasse 31

Rosa Winkel 32

33 انواع سنجاق های مورد استفاده در اردوگاه ها برای نشانه گذاری قربانیان. در میان آنها سنجاق های صورتی و ترکیبش با سنجاق های دیگر از جمله سنجاق ستاره ی مربوط به یهودیان قابل رویت است.

با شروع جنگ بسیاری از مردان باید به «خدمت» جنگ درمی آمدند، از طرف دیگر بخش زیادی از هم جنس گرایان نیز پیش تر تحت تعقیب و مجازات قرار گرفته بودند. از این جهت، تعداد دست گیری ها از سال ۱۹۴۰ کاهش پیدا کرده بود، امری که به هیچ عنوان به معنای کاهش فشار به هم جنس گرایان در معنای کلی اش نبود، آن ها همچنان تحت تعقیب، شکنجه و کشتار قرار می گرفتند. بر طبق آماري که از مدارک و اسناد زمان رایش سوم باقی مانده است، صدهزار مرد در آن دوره در ارتباط با هم جنس گرایی مورد تعقیب و دستگیری قرار گرفته بودند. تنها در برلین حدود ۱۷ هزار مرد بازجویی شده بودند. تعداد مردان هم جنس گرایی که به اردوگاه های کار اجباری فرستاده شده بودند بین ۵ تا ۱۰ هزار نفر تخمین زده می شود.⁴⁰ شکنجه های این مردان از تحمیل کار اجباری به آن ها، تا بازجویی، تعقیب و حتی عقیم کردن آنها، یعنی بیرون آوردن بیضه های شان را شامل می شد.

بدین ترتیب تاریخ فاشیسم در آلمان به تاریخ حذف سازمان دهی شده ی هم جنس گرایان از هر نوع زندگی اجتماعی پیوند مستقیم خورده است. از این رو، به هیچ عنوان جای تعجب ندارد که هم جنس گرایان با تعریف تحقیر آمیز «ضد اجتماعی»⁴¹ مورد حمله و تعقیب قرار می گرفتند. این تعریف از آن ها در راستای روند

وقتی که در کنار یهودی بودن مساله ی هم جنس گرایی شان هم مطرح می شد، به این اردوگاه ها فرستاده می شدند. آنها نیز با سنجاق هایی که نشانگر ترکیب این پیشینه ها بود در اردوگاه ها نشانه گذاری می شدند. به طور کلی این مساله که «آیا می توان ادعا کرد زنان هم جنس گرا عمدتاً به دلیل هم جنس گرا بودن تحت تعقیب قرار می گرفتند یا در واقع، پیشینه ی یهودیت، فعالیت سیاسی و یا عناصر دیگر در تعقیب آن ها نقش جدی تری بازی می کرد؟» در بسیاری از مباحث مربوط به آن دوران محل مناقشه است. «الکساندر زین»³⁴ نویسنده ی کتاب «آیا از بدنه ی جامعه حذف شدند؟»³⁵ به طور خاص بر این سوال تمرکز کرده است. او ادعا می کند؛ «تعقیب زنان هم جنس گرا به دلیل هم جنس گرایی شان در آن دوره

تاریخ فاشیسم در آلمان به تاریخ حذف سازمان دهی شده ی هم جنس گرایان از هر نوع زندگی اجتماعی پیوند مستقیم خورده است.

قابل اثبات نیست، زیرا مدارک دقیقی دال بر این مساله یافت نشده است»³⁶. او برای روشن کردن این بحث به سه مورد «مارگارته روزنبرگ»³⁷ و «الی سمولا»³⁸ که در قسمت حمل و نقل عمومی کار می کردند و «ماری پونجر»³⁹ فروشنده می پردازد.

| | |
|------------------------------|----|
| Alexander Zinn | 34 |
| Aus dem Volkskörper entfernt | 35 |
| | 36 |
| Margarete Rosenberg | 37 |
| Ely Smula | 38 |
| Mary Püncher | 39 |
| | 40 |
| Asozial | 41 |

<http://www.rosa-winkel.de>

https://web.archive.org/web/20061002072528/http://www.kulturring.org/forschung/ro-sa-winkel/geschichte_.htm

می‌شود که تنها می‌تواند ناشی از ناآگاهی و بی‌توجهی به این تاریخ تکان‌دهنده باشد.

مبارزات حول محور حقوق اقلیت‌های جنسی، به طرز قابل توجهی، غالباً ماهیت ضد ارتجاعی و ضد فاشیستی دارند و در صورت پیوند خوردن هستی هم‌جنس‌گرایانه با سیاست‌های ستم‌گرانه، قالبی تناقض‌آمیز به خود می‌گیرد.

غیراجتماعی کردن و حذف سازماندهی‌شده‌ی آن‌ها و به منظور پاک کردن فیزیکی آن‌ها از تمام صحنه‌های اجتماعی صورت می‌گرفت. مساله‌ای که تنها به رویکرد قضایی در قبال آن‌ها قابل تقلیل نیست. فاشیسم در روند ایدئولوژیک شدنش، ضدیت با هم‌جنس‌گرایی را نیز در زمره‌ی بنیان‌های توضیح‌دهنده‌ی خود قرار داده بود و بدین دلیل، تا همین امروز تعلق داشتن به جامعه‌ی اقلیت‌های جنسی و در عین حال عدم حساسیت به فاشیسم و ناسیونالیسم تهاجمی یک تناقض عمده محسوب

پایان جنگ، شکست فاشیسم در آلمان و تقسیم شدن آلمان به دو بخش شرقی و غربی و روند تغییرات قانونی در رابطه با اقلیت‌های جنسی:

مردان» را بر مبنای آن جزء جرائم جنسی تلقی کرد. این قانون از سال ۱۹۵۷ دیگر صورت اجرایی نیافت و لغو شد. با این حال بند آ پاراگراف ۱۷۵ به قوت خودش باقی ماند، در این بند «تن فروشی مردان» و «تحریک جنسی کودکان زیر سن» جرم‌انگاری شده بودند. دادگاه عالی برلین در ادعای خود این بند را یک ایده‌ی مترقی می‌دید که «فضای رشد سالم نوجوانان» را فراهم می‌کند.

به صورت رسمی پاراگراف ۱۷۵ در سال ۱۹۵۸ از قانون جزایی آلمان شرقی خارج شد.⁴³

جمهوری فدرال آلمان⁴⁴ (آلمان غربی)

از زمان تاسیس این جمهوری هم‌جنس‌گرایی غیرقانونی و جرم به حساب می‌آمد. جرم‌انگاری هم‌جنس‌گرایی در این بستر نیز با استدلال‌های مشابهی صورت پذیرفت.

جمهوری دموکراتیک آلمان (آلمان شرقی)⁴²

پس از تقسیم آلمان به دو قسمت شرقی و غربی، جمهوری دموکراتیک آلمان با رویکردی سوسیالیستی در بلوک شرق دنیا، مرزهایش را با آلمان غربی مشخص کرد. در جنگ با نیروهای فاشیستی در آلمان، سوسیالیست‌ها خود را در تقابل مستقیم با «ناسیونال سوسیالیسم» قرار داده بودند. بر این مبنای بسیاری از قوانین موجود و تثبیت شده در آن دوره در جمهوری دموکراتیک آلمان به تعلیق در آمدند و برچیده شدند. از جمله‌ی این قوانین، قانون جرم‌انگاری هم‌جنس‌گرایی بود. «آلمان شرقی» جرم‌انگاری هر نوع عمل هم‌جنس‌گرایانه را به عنوان «شکل کلاسیک ناسیونالیسم» در سال ۱۹۵۰ لغو کرد، اما پاراگراف ۱۷۵ پیش از فاشیسم را به قوت خود باقی گذاشت و «هم‌خوابگی

Deutsche Demokratische Republik 42

43

Bundesrepublik Deutschland 44

با نگاهی دقیق‌تر می‌توان گفت که تا سال ۱۹۶۹ هم‌جنس‌گرایی مردان به طور کلی در آلمان غربی مورد پیگرد قانونی قرار می‌گرفت و با وجود تعدیل‌هایی که در سال ۱۹۶۹ صورت گرفت، هم‌جنس‌گرایی مردان زیر سن ۲۱ سالگی تا سال ۱۹۷۳ هنوز با عنوان تحقیرآمیز «کودک آزاری جنسی» غیرقانونی بود. از دیگر موارد تکان‌دهنده این بود که حتی با وجود تعدیل این بندهای قانونی، جمع آوری اطلاعات هم‌جنس‌گرایان تا سال‌ها پس از پایان جنگ جهانی دوم در آلمان غربی توسط پلیس انجام می‌شد.⁴⁸

این مساله یکی از رسوایی‌های آلمان غربی پس از جنگ جهانی دوم تلقی می‌شود. آزار، شکنجه، جرم‌انگاری و ننگ شمردن هم‌جنس‌گرایی، تنها بحث دیروز یا بحث مربوط به دوران فاشیسم در آلمان نیست، بلکه مساله‌ای است که به تاریخ معاصر آلمان بازمی‌گردد.

استدلال‌هایی در رابطه با مساله‌ی «پدوفیلی»⁴⁵ (بچه‌بازی) و رشد سالم کودکان زیر ۱۸ سال» یا استدلال‌هایی در جهت توضیح «قانون عفت عمومی»⁴⁶. به طور مشخص نه تنها سیاست بلکه قوه‌ی قضایی جمهوری فدرال آلمان تا دهه‌ها پس از جنگ جهانی دوم در جرم‌نگاه‌داشتن هم‌جنس‌گرایی نقش بسزایی داشت. در سال ۱۹۵۷ دادگاه قضایی جمهوری فدرال تصریح کرد که: «رابطه با هم‌جنس خلاف عفت عمومی است» و از این جهت حتی ساده‌نبود که به منظور جرم‌زدایی به بخش‌هایی از قانون اساسی آلمان فدرال استناد کرد که موافق گوناگونی در جامعه بود. آلمان غربی تا سال ۱۹۶۹ این بند از قانون جزایی را دست‌نخورده نگاه‌داشت و اولین تغییرات محسوس در این بند در سال ۱۹۹۴ اعمال شد. تا آن روز حدود ۵۰ هزار مرد به دلیل هم‌جنس‌گرایی مورد مجازات قرار گرفتند و حدود ۱۰۰ هزار پرونده در مورد مردان هم‌جنس‌گرا مورد بررسی قرار گرفت.⁴⁷

جنبش اقلیت‌های جنسی و هم‌جنس‌گرایان در آلمان از آغاز دهه‌ی هفتاد



حرکت‌های جنبشی حول محور اقلیت‌های جنسی در آلمان از سال‌های آغازین دهه‌ی شصت شروع شدند. نکته‌ی

Pädophilie 45

Sittengesetz 46

<https://www.lto.de/recht/hintergruende/h/175-stgb-geschichte-rechtsprechung-diskrim-> 47

[/inierung-schwule-rehabilitierung](https://www.lto.de/recht/hintergruende/h/175-stgb-geschichte-rechtsprechung-diskrim-)

https://www.queer.de/detail.php?article_id=2826

48

زن اختصاص داد. در همان سال، اولین تظاهرات مربوط به هم‌جنس‌گرایان در تاریخ آلمان غربی و در شهر مونستر⁵¹ برگزار شد. در «گردهم‌آیی تعطیلات فینگستن»⁵² مربوط به سال ۱۹۷۳ بیش از پانصد نفر از نقاط مختلف آلمان حاضر شدند و برای احقاق حقوق‌شان اعتراض کردند. اعتراض آن‌ها شامل بحث‌های مرتبط با ممنوعیت‌های شغلی در زمینه‌ی «آموزش» و «قضاوت» می‌شد.⁵³

مطالعه‌ی دقیق‌تر تاریخ جنبش اقلیت‌های جنسی در آلمان نشانگر شکاف‌هایی میان لژیون‌ها و گی‌ها است.

زنان لژیون مترقی آن دوره حین سازماندهی خود حول احیای حقوق‌شان، به شکاف‌های درون خود جامعه‌ی اقلیت‌های جنسی نیز پی بردند.

در واقع مبارزات هم‌جنس‌گرایان در فضای جنبشی دهه‌ی شصت و هفتاد را تنها می‌توان در متن جنبش زنانی پیشرو و در قلب مبارزات ضد سرمایه‌داری فهمید. از این جهت شاید اصلاً عجیب نیست که زنان لژیون مترقی آن دوره حین سازماندهی خود حول احیای حقوق‌شان، به شکاف‌های درون خود جامعه‌ی اقلیت‌های جنسی نیز پی بردند. آن‌ها اعتقاد داشتند که «مردمحوری» حاصل جامعه‌ی مردسالار حتی به جمع‌های پیش‌روتر مانند فضای هم‌جنس‌گرایان نیز نفوذ کرده‌است.⁵⁴

قابل توجه و جذاب مساله این است که آغاز این تحول از سینما آغاز شد. فیلم «این هم‌جنس‌گرا نیست که منحرف است، بلکه شرایطی که او در آن زندگی می‌کند» ۱۵ آگوست ۱۹۷۱ در جشنواره‌ی فیلم برلین اکران شد. بحث‌هایی که این فیلم ایجاد کرد در فضای جنبشی دهه‌ی های شصت و هفتاد منجر به سازماندهی و تشکیل گروهی به نام «اکسیون هم‌جنس‌گرایان برلین غربی» شد. اینکه چگونه آزادی و حق آزادی بیان بیشتر، شرایطی را فراهم کرد تا مسائل هم‌جنس‌گرایان در قالب فیلم به مساله‌ی عمومی تبدیل شود، همچنین اینکه چگونه وضعیت درون‌متنی جنبش دهه‌ی شصت و هفتاد این امکان را میسر ساخت، حایز اهمیت است.⁴⁹

اکسیون هم‌جنس‌گرایان برلین غربی متشکل از چهل مرد هم‌جنس‌گرا بود که اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها در بستر جنبش چپ آن دوره علیه مردسالاری و سرمایه‌داری فعال بودند. یکی از نقاط تمرکز این گروه، مبارزه برای برچیدن بی‌چون و چرای پاراگراف ۱۷۵ از قانون جزایی آلمان بود.

در تظاهرات اول ماه مه ۱۹۷۲ برای اولین بار یک بخش از تظاهرات سندیکاها را جمعیتی تصاحب کرد که خود را «بلوک هم‌جنس‌گرایان» می‌نامید. از بهار سال ۱۹۷۲ بخشی از این سازماندهی درون «اکسیون هم‌جنس‌گرایان آلمان غربی»⁵⁰ خود را به سازماندهی هم‌جنس‌گرایان

<https://magazin.hiv/2011/08/15/homosexuelle-aktion-westberlin>

49

Homosexuelle Aktion Westdeutschland

50

Münster

51

Pfingsttreffen

52

<https://berlin.lsvd.de/neuigkeiten/vor-40-jahren-grundete-sich-die-homosexuelle-aktion-westberlin>

53

https://www.der-liebe-wegen.org/wahrnehmung_von_lesbischem_leben_nachkriegsze-it_bis_heute

54

حیات خود ادامه داد. در فاصله‌ی میان نمایان شدن این شکاف و اتحاد دو آلمان، صدها گروه و انجمن مربوط به سازماندهی همجنس‌گرایان حول احقاق حقوقشان ایجاد شد. مساله‌ی موسسه‌سازی از جنبش اقلیت‌های جنسی در این دهه اوج گرفت. اما با نگاهی دقیق، این به معنای دولتی کردن مبارزه در مفهوم عام آن نبود. به عنوان مثال، در انجمن‌های دانشجویی معروف به «آستا»⁵⁶ در دانشگاه‌های مختلف آلمان به شکل فزاینده‌ای انجمن‌های همجنس‌گرایان تاسیس می‌شدند و بدین ترتیب مبارزه را در سطحی دانشجویی در پیوند با مسایل دیگر پیش می‌بردند.

در اواخر دهه‌ی هفتاد گروه «اکسیون همجنس‌گرایان آلمان غربی» دچار شکاف‌های عمیق درونی شد، بخشی از این گروه که بیشتر به تحقق مطالبات در نظام موجود در آن زمان تعلق خاطر داشت، به فعالیت‌ها و همکاری با نظام پارلمانی روی آورد و بخش رادیکال‌تر جنبش، همچنان بر ایده‌ی فراپارلمانی خود پافشاری کرد. در نتیجه‌ی این شکاف، بخش اول در قالب گروهی به نام «کارگروه کلی همجنس‌گرایان»⁵⁵ منشعب شد و بخش رادیکال‌تر نیز دیگر از انسجام کافی برای ادامه فعالیت در قالب سابق و با قوت قبلی برخوردار نبود.

با وجود شکاف مذکور در سال‌های پایانی دهه هفتاد، جنبش همجنس‌گرایان در فراز و نشیبی پیچیده به

اتحاد دو آلمان

این بند از قانون، این گروه منفعل‌تر شد. در سال ۱۹۹۷ «جمعیت لژیون‌ها و گی‌های آلمان» به عنوان یک تشکل با جذب حدود ۳۰ هزار عضو، به نمایندگی اقلیت‌های جنسی پرداخت.

از سال‌های نخست قرن ۲۱ و پس از تعدیل و اصلاحات قانونی مربوط به حقوق همجنس‌گرایان؛ هر ساله رژه‌های همجنس‌گرایان در آلمان برگزار می‌شود. مراکز فرهنگی و انجمن‌های مربوط به حقوق اقلیت‌های جنسی فعالند و بحث تبعیض‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی علیه آنان همچنان داغ است. این روند تا همین

پس از اتحاد دو آلمان در اواخر دهه‌ی هشتاد و نود و برگزاری اولین رژه‌های بزرگ همجنس‌گرایان «کریستوفرس دی»⁵⁷ از سال‌های پایانی دهه‌ی هشتاد و همچنین رشد فعالیت انجمن‌های مربوط به حقوق همجنس‌گرایان، [چنانچه دفاع «جبهه‌ی ۹۰/سبزها»⁵⁸ از سال‌های پایانی دهه‌ی هشتاد شروع شد] حقوق همجنس‌گرایان در قالبی پارلمانی هر چه بیشتر به رسمیت شناخته شد. به عنوان مثال در دهه‌ی هشتاد «فراکسیون جمعیت همجنس‌گرایان» در سال ۱۹۸۶ توانست تعداد کثیری از همجنس‌گرایان را حول برچیدن بند ۱۷۵ قانون جزایی آلمان گرد هم آورد. پس از لغو

| | |
|---|----|
| Allgemeine homosexuelle Arbeitsgemeinschaft | 55 |
| Asta | 56 |
| CSDs | 57 |
| Bündnis 90/Die Grünen | 58 |

امروز که حتی ازدواج هم جنس‌گرایان قانونی ست، متوقف نشده است.

گام‌های به پیش برای برابری: حق ازدواج

است. در فضای پارلمانی آلمان «مبحث وجدانی» به این معناست که نمایندگان در بستر بحث مورد نظر باید ترجیحاً به وجدان خود مراجعه کنند و موضع رسمی حزبشان را مد نظر قرار ندهند. در ادامه‌ی این جدل

موضوع ازدواج هم‌جنس‌گرایان در اوایل سال ۲۰۱۷ برای اولین بار در فضای پارلمانی از طرف حزب سبزها آغاز شد.

و با رای گیری در این مورد در پارلمان آلمان، ازدواج هم‌جنس‌گرایان پس از دهه‌ها مبارزه سرانجام در اکتبر سال ۲۰۱۷ قانونی شد.⁵⁹

با بررسی جنبش و تاریخ اقلیت‌های جنسی در آلمان و مواجه شدن با پیوند مهم جرم‌انگاری هم‌جنس‌گرایی و سرکوب دیگر اقشار جامعه در فضاهای شبه فاشیستی و فاشیستی، هر چه بیشتر به اهمیت بحث‌های میان‌برشی و نظریه‌های مرتبط در این حوزه پی می‌بریم. این تاریخ به ما به صورت واقعی نشان می‌دهد که هم‌جنس‌گرایان و اقلیت‌های جنسی رهایی نمی‌یابند، مگر در بستر مبارزاتی که الغاء کل سیستم سرکوب و ستم را مساله‌ی خود بدانند. نباید فراموش کنیم که محقق شدن ازدواج هم‌جنس‌گرایان در آلمان تنها به واسطه‌ی جنبشی ممکن شد که سالها در سطوح پایین تر تداوم داشت و پارلمان آلمان و حتی آنجلا مرکل در چنین فضایی به این قانون

در سال ۱۹۹۴ «سن قانونی» برای ایجاد رابطه هم‌جنس‌گرایانه از ۲۱ سال به ۱۴ تا ۱۶ سال تغییر کرد. در سال ۲۰۰۱ «همسری ثبت‌شده» هم‌جنس‌گرایان به صورت قانونی به رسمیت شناخته‌شد و سرانجام در ژوئن ۲۰۱۷ با دخالت مستقیم آنجلا مرکل - نخست وزیر آلمان - «قانونی کردن ازدواج هم‌جنس‌گرایان» در پارلمان آلمان به بحث گذاشته شد. موضوع ازدواج هم‌جنس‌گرایان در اوایل سال ۲۰۱۷ برای اولین بار در فضای پارلمانی از طرف حزب سبزها آغاز شد. این حزب تلاش کرد، در فضای پارلمانی، آرای احزاب متحد خود را از طریق ارائه‌ی شکایتی با ارجاع به قانون اساسی آلمان جلب کند. در راستای همین مساله این حزب از سایر احزاب موجود در پارلمان خواست محتوای قانون پیشنهادی‌اش در مورد ازدواج هم‌جنس‌گرایان را مطالعه کنند و در این زمینه بحث و اظهار نظر کنند. با اینکه دادگاه، شکایت حزب سبزها را رد کرد، این بحث در ادامه‌ی سال ۲۰۱۷ تا به آنجا پیش رفت که حزب‌های لیبرال و سوسیال دموکرات‌ها به همراهی حزب سبزها به این توافق رسیدند که این مساله را تبدیل به بحث اصلی حول تشکیل دولت بعدی در آلمان کنند. در همین راستا تنها اشاره‌ای از طرف آنجلا مرکل در ۲۶ ژوئن ۲۰۱۷ با روزنامه‌ی «بریگتته» کافی بود تا این بحث دوباره در فضای پارلمانی آلمان مطرح شود. آنجلا مرکل در آن مصاحبه تاکید کرده بود که این مساله، مبحثی وجدانی

◀ برخی منابع مورد استفاده:

مصاحبه‌ی روزنامه‌ی آنلاین «تاگس اشپیگل» با خواهرزاده‌ی بزرگ هیرشفلد

<https://www.tagesspiegel.de/gesellschaft/queerspiegel/grossnichte-von-magnus-hirschfeld-mutter-erzaehlte-nicht-dass-hirschfeld-schwul-war/21602084.html>

مقاله‌ای تاریخی در مورد مفهوم «همجنسگرایی» در دوره‌های مختلف در مجله‌ی آنلاین «پلانت ویسن»

<https://www.planet-wissen.de/gesellschaft/sexualitaet/homosexualitaet/index.html>

مقاله‌ای در مورد میزان پذیرش و تبعیض روزمره شده در آلمان نسبت به اقلیت‌های جنسی

<https://www.tagesspiegel.de/gesellschaft/queerspiegel/studie-zur-homosexualitaet-die-akzeptanz-in-deutschland-ist-begrenzt/19243590.html>

